

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

نشانی اینترنتی مجله: <http://jill.shirazu.ac.ir>

بررسی مولکول‌های معنایی نام جانوران بوشهر و شهر کرد: رویکردی معنایی - شناختی

مهناز طالبی‌دستنایی^۱، فریبا قطره^{۲*}

۱- دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲- استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

مقاله حاضر به بررسی و مقایسه مولکول‌های معنایی نام ۳۵ جانور در بوشهر و ۳۵ جانور در شهرکرد بر اساس رویکرد معنایی-شناختی هسیه (۲۰۰۶) می‌پردازد. داده‌های پژوهش از پاسخ ۱۰۰ گویشور بوشهری و ۱۰۰ گویشور شهرکردی و بررسی منابع نوشتاری هم‌چون کتاب‌های ضرب‌المثل، شعر، داستان و مانند آن به دست آمد. در این پژوهش ابتدا نام‌های پرکاربرد در گفتار روزمره از میان نام جانوران بومی استخراج شد، سپس پرسش‌هایی در قالب پرسشنامه از گویشوران اصیل و بومی هر منطقه درباره جانوران پرسیده شد. از طریق تحلیل داده‌های پرسشنامه برای هر جانور یک یا چند مولکول معنایی به دست آمد. سپس برای هر مولکول معنایی به تفکیک نام جانور و منطقه، استعاره‌های زیربنایی متناسب شناسایی شد. رفتار و عادت، ظاهر، هوش، غذا و عادت غذاخوردن، کاربرد، ویژگی‌های برجسته، معنای متداعی و معنای قراردادی از جمله استعاره‌های زیربنایی برای طبقه‌بندی مولکول‌های معنایی جانوران می‌باشند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استعاره زیربنایی «رفتار و عادت» در دو منطقه بیش‌ترین کاربرد را در توصیف مولکول‌های معنایی جانوران دارد.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۶ اردیبهشت ۹۸

پذیرش: ۱۵ مهر ماه ۹۸

واژه‌های کلیدی:

استعاره‌های زیربنایی
فرازبان معنایی طبیعی
جانوران
معناشناسی شناختی
مولکول‌های معنایی

* نویسنده مسئول

آدرس ایمیل: f.ghatreh@alzahra.ac.ir (فریبا قطره)

۱. مقدمه

جانوران یکی از بخش‌های مهم محیط پیرامون طبیعی پیرامون انسان می‌باشند. به دلیل رابطه نزدیک انسان با جانوران، از ابتدای خلقت، جانوران و مجموعه ویژگی‌های ظاهری و رفتاری آن‌ها از نخستین مفاهیمی هستند که بشر درمی‌یابد و عبارت‌های مرتبط با آن‌ها در زبانش منعکس می‌شود. نام جانوران و هر آن‌چه به جانوران مربوط است، نظیر اعضای بدن، ویژگی‌های ذاتی، رفتارهای خاص هر جانور و اعمالی که توسط انسان بر جانوران اعمال می‌شود، در همه زبان‌ها کاربرد فراوانی دارند.

رویکردهای مختلفی برای بررسی چگونگی انعکاس نام جانوران و عبارت‌های مختلف با نام جانوران وجود دارد. در پژوهش حاضر مولکول‌های معنایی نام ۳۵ جانور در بوشهر و ۳۵ جانور در شهرکرد، بر مبنای رویکرد مولکول‌های معنایی هسیه^۱ (۲۰۰۶) بررسی و تحلیل می‌شود. نکته قابل توجه این است که زبان‌های متفاوت از لحاظ برجسته‌بودن مولکول‌های معنایی که از نام یک جانور واحد به ذهن سخنگویان آن‌ها متبادر می‌شود، باهم تفاوت دارند. در هر زبان بسته به فرهنگ، میزان و نوع ارتباط گویشوران با جانوران منطقه، برخی مولکول‌های معنایی نام جانوران نسبت به مولکول‌های معنایی دیگر در همان زبان و در زبان‌های دیگر برجسته‌تر است. مولکول‌های معنایی از کاربرد نام جانوران در عبارت‌های استعاری به دست می‌آیند و شامل مؤلفه‌های اولیه معنایی نام جانوران می‌باشند. در واقع مولکول‌های معنایی که از نام جانوران در هر زبانی برمی‌آیند، انعکاس فرهنگ، تفکرات و عقاید سخنگویان یک زبان هستند که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسند. به منظور جمع‌آوری داده‌های پژوهش، ۱۰۰ گویشور بومی و ۱۰۰ گویشور بومی شهرکردی به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه پژوهش پاسخ دادند. میانگین سن گویشوران شرکت‌کننده در پژوهش در دو منطقه حدود ۳۵ سال است. پاسخ‌های گویشوران توسط نرم‌افزار آماری اکسل تحلیل و بررسی شد و داده‌های به‌دست‌آمده بررسی و طبقه‌بندی شد. مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر این است که نشان دهد در گویش‌های بوشهری و شهرکردی که از دو اقلیم کاملاً متفاوت هستند، هر جانور چه مولکول‌های معنایی دارد و مولکول‌های معنایی جانوران مشترک این دو منطقه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی باهم دارند.

1. Hsieh

در این مقاله، ابتدا رویکردها و پژوهش‌های مختلف در بررسی مولکول‌های معنایی بررسی می‌شوند، سپس، به معرفی جامعه آماری پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده و یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

۲. رویکردهای مختلف در بررسی مولکول‌های معنایی

در این بخش رویکردهای مختلف زبان‌شناسی مرتبط با بررسی مولکول‌های معنایی معرفی می‌شوند. ابتدا رویکرد فرازبان معنایی طبیعی^۱ (ویرژیبتسکا، ۱۹۷۲ و ۱۹۹۶)، رویکرد ویرژیبتسکا^۲ و گودارد^۳ (۲۰۰۷) به عنوان پیشتازان رویکرد مولکول‌های معنایی معرفی می‌شوند، سپس بر رویکرد هسییه (۲۰۰۱، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹) در بررسی مولکول‌های معنایی واژه‌های مربوط به جانوران در زبان‌های مختلف متمرکز می‌شویم.

۲-۱. رویکرد ویرژیبتسکا و گودارد در بررسی مولکول‌های معنایی

رویکرد فرازبان معنایی طبیعی یکی از رویکردهای کاربردی در زمینه معنی‌شناسی بین‌زبانی و بین‌فرهنگی است. این رویکرد تاکنون در مورد بیش از ۳۰ زبان در سراسر جهان به محک آزمون گذاشته شده است. در این رویکرد، ادعا بر این است که هسته کوچکی از معانی جهانی به نام نخست‌های معنایی وجود دارد که از طریق واژه‌ها و دیگر عبارتهای زبانی در همه زبان‌ها قابل بیان است. این هسته مشترک معنایی می‌تواند به عنوان ابزاری برای تحلیل فرهنگی و زبانی مورد استفاده قرار گیرد.

نخستی‌های معنایی در واقع اتم‌های اصلی تشکیل‌دهنده هر زبان با مؤلفه‌های زبان‌شناختی هستند. این نخست‌های معنایی را همه زبان‌وران درک می‌کنند و نمی‌توان آن‌ها را به کلمات یا عبارتهای ساده‌تر تجزیه یا تعریف کرد (ویرژیبتسکا، ۲۰۰۴ و گودارد، ۲۰۱۲) در نخست‌های معنایی بحث در مورد ذاتی‌بودن مجموعه‌ای از مفاهیم، ارتباط میان مفاهیم اولیه در زبان‌آموزی کودک، جهانی‌های زبان و اصول اولیه معنا است (ویرژیبتسکا، ۱۹۷۲). اصول و نخست‌های معنایی مانند اتم‌هایی هستند که با ترکیب با یکدیگر مولکول‌های زبانی را تشکیل می‌دهند. مثلاً مفهوم آسمان در همه زبان‌ها مشترک نیست، اما می‌توان با استفاده از اتم‌های معنایی (نخستی‌های زبان)

1. The Natural Semantic Metalanguage (NSM) Approach

2. Wierzbicka

3. Goddard

این مفهوم را برای فردی از زبانی توصیف کرد که مفهوم آسمان (آنچه در بالای سر ما است) را نمی‌داند. مفاهیم نخست‌های در تمامی زبان‌ها مشترک هستند (رایمر^۱، ۲۰۱۰: ۷۲) و کودک آن‌ها را در روند زبان‌آموزی قبل از واژه‌های دیگر یاد می‌گیرد (ویرژبیتسکا، ۱۹۹۶).

از آن‌جا که نخست‌های معنایی برای تعریف واژگان به‌کار می‌روند، باید جهانی و مشترک میان زبان‌ها باشند. همان‌طور که از نام‌شان پیدا است، این‌ها واژه‌های اصلی و پایه هر زبانی را تشکیل می‌دهند. نخست‌های معنایی مجموعه‌ای از مفاهیم پرکاربرد و کارآمد در توضیح و درک واژه‌های پیچیده هستند (گودارد و ویرژبیتسکا، ۲۰۰۷: ۱۱۰). چنان‌چه نخست‌های معنایی منعکس‌کننده نحوه تفکر انسان درباره زبان باشند، باید به عنوان بلوک‌های ساختاری، زمینه‌های معنایی و واژگانی را تعیین و ترسیم کنند، به نحوی که معنا از ترکیب نخست‌های معنایی در زبان شکل می‌گیرد (سوان^۲، ۲۰۱۳: ۵).

جدول (۱) مجموعه نخست‌های فرازبان معنایی طبیعی با نموده‌های انگلیسی (گودارد، ۲۰۱۲)

مقوله	نخستی‌ها در زبان انگلیسی	نخستی‌ها در زبان فارسی
کنش‌گرها ^۳	I, YOU, SOMEONE, PEOPLE, SOMETHING/ THING, BODY	من، تو، کسی، مردم، چیزی/چیز، بدن
کنش‌گرهای رابطه‌ای ^۴	KIND, PART	نوع، بخش
تخصیص‌نماها ^۵	THIS, THE SAME, OTHER~ELSE~ANOTHER	این، همان، دیگری/دیگر، آن دیگری
کمیت‌نماها ^۶	ONE, TWO, SOME, ALL, MUCH/MANY, LITTLE/FEW	یک، دو، برخی، همه، خیلی، بسیار، تعداد کم، مقدار کم
ارزش‌نماها ^۷	GOOD, BAD	خوب، بد

1. Riemer
2. Swan
3. Substantives
4. Relational Substantives
5. Determiners
6. Quantifiers
7. Evaluators

مقوله	نخستی‌ها در زبان انگلیسی	نخستی‌ها در زبان فارسی
توصیف‌نماها ^۱	BIG, SMALL	بزرگ، کوچک
محمول‌های ذهنی ^۲	THINK, KNOW, WANT, DON'T WANT, FEEL, SEE, HEAR	فکر کردن، دانستن، خواستن، نخواستن، احساس کردن، دیدن، شنیدن
گفتارنماها ^۳	SAY, WORDS, TRUE	گفتن، کلمه، درست
کنش‌ها، رخدادها، حرکت ^۴	DO, HAPPEN, MOVE	انجام‌دادن، اتفاق افتادن، حرکت کردن
مکان ^۵ ، موجودیت ^۶ ، مشخصه ^۷	BE (SOMEWHERE), THERE IS, BE (SOMEONE/SOMETHING), (IS) MINE	بودن (در جایی)، آنجا است، بودن (چیزی/کسی)، مال من (بودن)
مرگ ^۸ و زندگی ^۹	LIVE, DIE	زندگی کردن، مردن
زمان ^{۱۰}	WHEN/ TIME, NOW, BEFORE, AFTER, A LONG TIME, A SHORT TIME, FOR SOME TIME, MOMENT	چه موقع/ زمان، حالا، قبل، بعد، زمان طولانی، زمان کوتاه، گاهی، لحظه
فضا ^{۱۱}	WHERE/PLACE, HERE, ABOVE, BELOW, FAR, NEAR, SIDE, INSIDE, TOUCH (CONTACT)	کجا/ مکان، شنیدن، بالا، زیر، دور، نزدیک، کنار، داخل، لمس کردن (تماس)
مفاهیم منطقی ^{۱۲}	NOT, MAYBE, CAN, BECAUSE, IF	نه، شاید، توانستن، زیرا، اگر

1. Descriptors
2. Mental predicates
3. Speech
4. Actions, Events, Movement
5. Location
6. Existence
7. Possession
8. Death
9. Life
10. Time
11. Space
12. Logical Concepts

مقوله	نخستی‌ها در زبان انگلیسی	نخستی‌ها در زبان فارسی
تشدیدکننده‌ها ^۱	VERY, MORE	بسیار، بیشتر
شباهت ^۲	LIKE/AS/WAY	شبيه، مانند، راه

تفسیر (توضیح) در فرازبان معنایی طبیعی به این معنی است که مفاهیم غیرنخستی را با استفاده از نخستی‌های زبان تعریف کنیم؛ برای مثال ویرژبیتسکا فعل kill (کشتن) را به این صورت تجزیه معنایی می‌کند:

• فرد الف فرد ب را کشت.

• یک نفر (الف) چیزی را روی یک نفر دیگر (ب) انجام داد.

• به خاطر این، چیزی برای (ب) در همان زمان اتفاق افتاد.

• به خاطر این، چیزی بر بدن (ب) اتفاق افتاد.

• به خاطر این (اتفاق)، بعد از این (اتفاق) (ب) دیگر زندگی نکرد.

از نظر ویرژبیتسکا (۱۹۹۶) مولکول معنایی شامل معنای واژگانی پیچیده‌ای است که خود به عنوان یک واحد معنایی در ساختار دیگر مفاهیم پیچیده عمل می‌کند. برای مثال، در واژه‌هایی مانند گربه، موش و اسب با واحدهای معنایی به نام حیوان روبرو هستیم که همه این واژه‌ها جزو گروه جانوران می‌باشند و هر کدام به تنهایی دارای معنایی است. در این جا، واژه حیوان نقش مولکول معنایی را دارد، یعنی یک معنای واژگانی که متشکل از معانی ریزتری است.

مثال‌های فراوانی در رویکرد ویرژبیتسکا (۲۰۰۴) درباره بررسی مولکول‌های معنایی جانوران دیده می‌شود. ویرژبیتسکا (۲۰۰۴) طبقه‌بندی‌هایی را برای واژه «گربه» در نظر گرفته است که این طبقه‌بندی‌ها شامل مولکول‌های معنایی می‌باشند و به شرح زیر برای این حیوان در نظر گرفته شده‌اند.

الف) طبقه‌بندی حیوان از نظر سلسله‌مراتب حیات؛ ب) عادت‌ها؛ پ) اندازه؛ ت) ظاهر؛ ج) رفتار؛ چ) نحوه ارتباط حیوان با انسان (گودارد، ۲۰۰۷).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در بخش (الف) با طبقه‌بندی جانور از نظر اشکال حیات

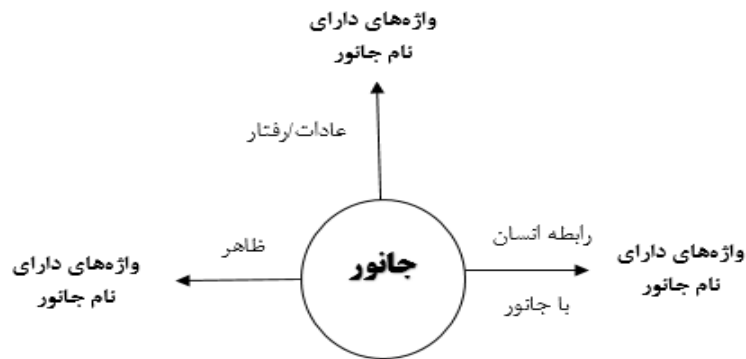
1. Intensifier, Augmentor
2. Similarity

روبرو هستیم که این موجود را در سلسله مراتب جانوران طبقه‌بندی می‌کنیم؛ بنابراین حیوان بودن گربه نوعی مولکول معنایی در نظر گرفته می‌شود.

در قسمت (ب) هیچ‌گونه مولکول معنایی اضافی نداریم، زیرا گربه حیوان اهلی است که در مکان‌های نزدیک انسان و یا در کنار انسان‌ها زندگی می‌کند و در خصوص قسمت (پ) نیز به توصیف اندازه گربه اختصاص دارد. ویرژیبتسکا (۲۰۰۴) معتقد است که با توجه به این‌که انسان اشرف مخلوقات است، بدن او مرجعی برای تعیین اندازه نسبی دیگر موارد محسوب می‌شود. تعیین این مسئله برای گربه بر اساس توانایی برداشتن گربه با دو دست صورت می‌گیرد که فعل برداشتن (یک فعل فیزیکی) و دست‌ها (بخشی از بدن) نقش مولکول معنایی را ایفا می‌کند. در مورد ظاهر گربه می‌توان مولکول‌های معنایی متعددی از جمله، سر، گوش‌ها، چشم‌ها، دهان، دم و پاها و برخی ویژگی‌های فیزیکی مانند نرمی و تیزی را در نظر گرفت. مواردی از طبقه‌بندی مولکول‌های معنایی ویرژیبتسکا (۱۹۸۵) به شرح است:

طبقه‌بندی: (۱) یک نوع حیوان؛ عادات: (۲) جانوران این گروه با انسان‌ها زندگی می‌کنند (گاهی اوقات نزدیک مکان‌هایی که انسان‌ها زندگی می‌کنند یافت می‌شوند)؛ اندازه: (۳) بزرگ نیستند (انسان می‌تواند با دو دست یکی از آن‌ها را بردارد)؛ ظاهر: (۴) دارای موهایی نرم هستند. (۵) دارای سری گرد هستند. (۶) دارای گوش‌های برجسته هستند. (۷) گوش‌های آن‌ها در دو طرف و بالای سرشان قرار دارند. (۸) چشم‌های آن‌ها مانند چشم انسان‌ها نیستند. (۹) دارای موهای بلندی در دو طرف دهان‌شان هستند. (۱۰) دارای دم بلندی هستند. (۱۱) دارای پاهای صافی هستند. (۱۲) دارای پنجه‌های تیزی هستند.

دیدگاه ویرژیبتسکا (۱۹۸۵) درباره مولکول‌های معنایی جانوران در شکل (۱) آمده است.

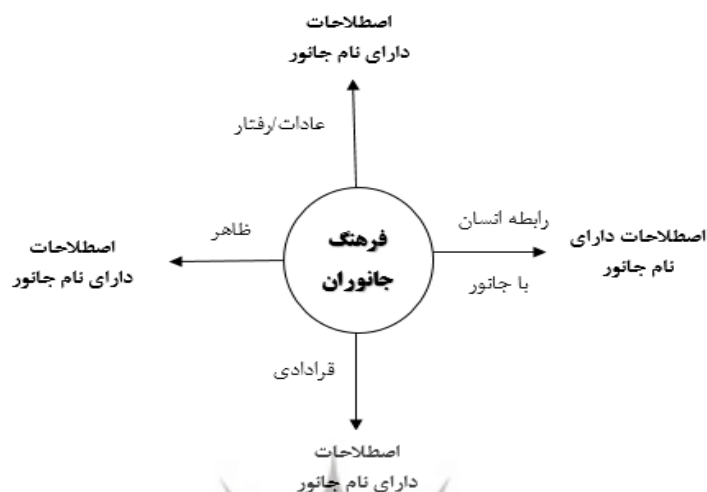


شکل (۱) نظریهٔ ویرژیبتسکا (۱۹۸۵: ۱۶۴) دربارهٔ مؤلفه‌های نام جانور

۲-۲. رویکرد هسییه در بررسی مولکول‌های معنایی

هسییه (۲۰۰۶) با استفاده از دیدگاه ویرژیبتسکا (۱۹۸۵) در مورد عبارتهای دارای نام جانوران و گیاهان و استفاده از رویکرد استعاره‌های شناختی لیکاف^۱ و جانسون^۲ (۱۹۸۰) رویکرد جدیدی برای تحلیل مولکول‌های معنایی جانوران و گیاهان ارائه کرده است. او معتقد است مولکول‌های معنایی نیز مانند عبارتهای دارای نام حیوان از ظاهر، عادات، رفتار و روابط انسانی با حیوان نشأت می‌گیرند و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت هستند. همچنین، در هر فرهنگ مفاهیم مرتبط با نام جانوران در ذهن مردم آن فرهنگ، قراردادی هستند، زیرا مفاهیم از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر دچار تغییر می‌شوند. چنان‌چه به باور هسییه (۲۰۰۶: ۲۲۱۴) برخی مفاهیم و اصطلاحات دارای نام حیوان در ذهن مردم یک فرهنگ معانی مثبت و خوب ایجاد می‌کنند و ممکن است همان مفهوم در ذهن مردم فرهنگ دیگر مفاهیمی منفی و بد ایجاد کند، پس معانی به‌وجودآمده برای یک مفهوم به صورت قراردادی هستند.

1. Lakoff
2. Johnson



شکل (۲) نظریه هسییه (۲۰۰۶) درباره مؤلفه‌های نام جانور

در نظر ویرژبیتسکا (۱۹۸۵) تعابیری که برای عبارت‌های دارای نام حیوان در نظر گرفته شده‌اند، ثابت هستند. هسییه (۲۰۰۶) نظریه ویرژبیتسکا (۱۹۸۵ و ۲۰۰۴) را کامل‌تر کرد و بر این باور است که در کاربرد نام جانوران، با اصطلاح نام جانور روبرو هستیم و این اصطلاح در نظر گرفته شده برای نام جانور وابسته به فرهنگ مردمی است که آن را به کار می‌برند. از آنجا که مفاهیم مختلف، از فرهنگی به فرهنگ دیگر دستخوش تغییرات می‌شوند، مولکول‌های معنایی نیز باید به صورت قراردادی در نظر گرفته شوند. بسیاری از پژوهش‌های هسییه (۲۰۰۱، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶) به بررسی مولکول‌های معنایی نام جانوران در زبان‌های چینی و آلمانی اختصاص دارند. وی با توجه به کاربرد نام جانور در اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، باهم‌آیی‌ها و با توجه به معانی نام جانور در بافت‌های مختلف، مولکول‌های معنایی را استخراج می‌کند.

زبان‌ها از لحاظ برجسته‌بودن مولکول‌های معنایی که از توصیف یک جانور واحد به ذهن سخنگویان‌شان خطور می‌کنند، باهم تفاوت دارند. در هر زبان بسته به فرهنگ، میزان شناخت و تجربه از جانوران، بعضی از مولکول‌های معنایی نام جانور که از زبانی به زبان دیگر متفاوت هستند، برجسته می‌شوند. این مولکول‌های معنایی از معنایی به دست می‌آیند که نام جانور در عبارت‌های استعاری مختلف دارد و شامل مؤلفه‌های اولیه معنایی هستند که با واژه رابطه مستقیمی دارند. در واقع مولکول‌های معنایی که از نام جانوران در هر زبانی به دست می‌آیند،

منعکس‌کننده فرهنگ، تفکرات و عقاید سخنگویان یک زبان هستند، که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسند. شیوه بررسی مولکول‌های معنایی در پژوهش‌های هسییه (۲۰۰۱، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹) اندکی با شیوه پژوهشی ویرژیبتسکا و گودارد (۲۰۰۷) تفاوت دارد. در پژوهش‌های هسییه (۲۰۰۱، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹) مولکول‌های معنایی بر مبنای کاربرد، باهم‌آیی و مفهوم فرهنگی شان شناسایی می‌شوند و معمولاً در کنار استعاره‌های مفهومی بررسی می‌شوند. به طور خلاصه، مولکول‌های معنایی در این رویکرد به مؤلفه‌ها و ویژگی‌های معنای برجسته نام جانوران گفته می‌شود که از منابع نوشتاری و گفتاری به دست می‌آیند. استعاره‌های زیربنایی نیز از دیگر مؤلفه‌های مهم در تعریف مولکول‌های معنایی هستند و به نوعی به رابطه میان معانی مرتبط با نام جانور و مولکول معنایی اشاره دارند. برای مثال در زبان فارسی، یکی از مولکول‌های معنایی سگ، وفاداری است. این مولکول معنایی در طبقه استعاره زیربنایی رفتار و عادت طبقه‌بندی می‌شود.

به منظور روشن‌نمودن نظریه هسییه (۲۰۰۶) در مورد مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی به ارائه چند مثال می‌پردازیم تا تفاوت کاربرد مولکول‌های معنایی از فرهنگی به فرهنگ دیگر آشکارتر شود. هسییه (۲۰۰۶) در پژوهشی به بررسی مفهوم عبارت‌های دارای نام «گره» و «ببر» در دو زبان چینی ماندارین و آلمانی پرداخت و مفاهیمی را که نام این دو حیوان در میان گویشوران چینی و آلمانی به وجود آورده بودند، مورد بررسی و تحلیل قرار داد. مولکول‌های معنایی به کار رفته برای گره در زبان چینی عبارتند از، یک نوع جانور، شکارچی، ضعیف، پرسروصدا، هوسران، دروغ‌گو، پرخور و رقاصه. گویشوران چینی در تفسیر عبارت «گره» ویژگی‌های ذکرشده را به کار می‌برند، که نشان‌دهنده نوع تفکر و بینش مردم در فرهنگ چینی نسبت به این حیوان است. برحسب یافته‌ها، گویشوران چینی دیدگاه مثبتی نسبت به نام این حیوان در ذهن خود ندارند، زیرا در تفسیر ویژگی‌های این حیوان بیشتر صفات و ویژگی‌های منفی را به کار می‌برند.

مولکول‌های معنایی به کار رفته در زبان آلمانی برای گره عبارتند از، یک نوع حیوان، دارای سر، دم، زبان و چشم، شکارچی، سیاه‌رنگ، تنبل، محتاط، تمیز، سریع، ضعیف، کوچک، پرسروصدا و چاپلوس. آلمانی‌زبان‌ها در تفسیر عبارت «گره» ویژگی‌های ذکرشده را به کار می‌برند، که نشان‌دهنده نوع تفکر و بینش مردم در فرهنگ آلمانی نسبت به این حیوان است. یافته‌ها نشان می‌دهند که گویشوران آلمانی، در مقایسه با گویشوران چینی، دیدگاه مثبت‌تری نسبت به نام این حیوان در ذهن خود دارند، زیرا در تفسیر ویژگی‌های این حیوان کاربرد صفات

و خصوصیات منفی کم‌تر می‌باشند و دیدگاه آن‌ها به نسبت متعادل‌تر است. از طرف دیگر، مولکول‌های معنایی به‌کاررفته برای ببر در زبان چینی، یک نوع حیوان، دارای سر، دهان و دندان بزرگ، مذکر، قوی، ترسناک، شجاع، عظیم‌الجثه، مغرور، قدرت‌مند، پرانرژی، خطرناک، بارزش و زودرنج، است. چینی‌زبان‌ها در تفسیر عبارت «ببر» ویژگی‌های ذکرشده بالا را به‌کار می‌برند، که نشان‌دهنده نوع تفکر و بینش مردم در فرهنگ چینی نسبت به این حیوان است. نتایج نشان می‌دهد که گویشوران چینی برخلاف «گره» دیدگاه مثبتی نسبت به این حیوان در ذهن خود دارند، زیرا در تفسیر ویژگی‌های این حیوان بیشتر صفات و خصوصیات مثبت را به‌کار می‌برند که نشان‌دهنده میزان ارزش و اهمیت این حیوان در فرهنگ چینی است. مولکول‌های معنایی به‌کاررفته برای ببر در زبان آلمانی نیز، یک نوع حیوان، قدرت‌مند، شجاع، ترسناک، درنده و حامی است. گویشوران آلمانی در تفسیر عبارت «ببر» ویژگی‌های ذکرشده را به‌کار می‌برند، که نشان‌دهنده نوع تفکر و بینش مردم در فرهنگ آلمانی نسبت به این حیوان است. برحسب یافته‌ها، گویشوران آلمانی برخلاف «گره» دیدگاه منفی‌تری نسبت به نام این حیوان در ذهن خود دارند که بیش‌تر نشان‌دهنده قدرت و ایجاد ترس در گویشوران است.

با توجه به تحلیل داده‌های پژوهش هسییه (۲۰۰۶) مشخص می‌شود که در زبان چینی نام «ببر» به عنوان یک نمونه اعلاء از خانواده گربه‌سانان در ذهن گویشوران این زبان تلقی می‌شود، در حالی که در زبان آلمانی نام «گره» به عنوان یک نمونه اعلاء از خانواده گربه‌سانان در ذهن گویشوران این زبان در نظر گرفته می‌شود که این امر نشان‌دهنده تفاوت در کاربرد مولکول‌های معنایی در تفسیر عبارت‌های دارای نام جانوران از زبانی به زبان دیگر است.

۳. پژوهش‌های مربوط به مولکول‌های معنایی جانوران

در این بخش به معرفی پژوهش‌هایی درباره مولکول‌های معنایی جانوران در زبان‌های مختلف پرداخته می‌شود. هسییه یکی از پرکارترین پژوهشگران در زمینه بررسی مولکول‌های معنایی جانوران است، الگوهای پژوهش‌های هسییه تقریباً مشابه یکدیگر هستند؛ غالب پژوهش‌های او به بررسی مولکول‌های معنایی جانوران و گیاهان در زبان چینی ماندارین و آلمانی اختصاص دارند تا با معرفی و مقایسه این مولکول‌های معنایی بتوان به شناختن و شناساندن زبان و

فرهنگ چینی و آلمانی پرداخت (نخاوی، ۱۳۹۰). مهم‌ترین پژوهش‌های هسییه در زمینه بررسی مولکول‌های معنایی جانوران عبارتند از: هسییه (۲۰۰۱، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۴) و هسییه و جاکر^۱ (۲۰۰۳).

در زبان فارسی پژوهش‌های کمی در زمینه مولکول‌های معنایی جانوران انجام شده است؛ معظمی (۲۰۱۰) به بررسی تطبیقی کاربرد معانی مجازی نام «سگ» در اصطلاحات، تعبیرات و ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی و روسی با استفاده از رویکرد هسییه (۲۰۰۶) پرداخته است. در این پژوهش، ۲۰۷ اصطلاح و ضرب‌المثل با نام سگ در زبان فارسی و ۱۵۶ اصطلاح و ضرب‌المثل در زبان روسی از منابع عبارت‌های مکتوب یا شنیداری بررسی شده‌اند. براساس این پژوهش، مهم‌ترین مولکول‌های معنایی برای نام سگ در زبان فارسی پستی، بی‌ارزشی، بداخلاقی، درنده‌خویی و پرسروصدابودن است. برخلاف زبان فارسی مهم‌ترین مولکول‌های معنایی برای سگ در زبان روسی وفاداری و خوش‌یمن‌بودن است.

نخاوی (۱۳۹۰) به بررسی کاربرد مجازی نام جانوران در ضرب‌المثل‌های فارسی و تحلیل برخی از ویژگی‌های نحوی آن‌ها با رویکرد شناختی پرداخته است. ۱۷۷۱ نمونه دارای نام جانوران از بررسی ۱۲ هزار مثل فارسی به دست آمد. در این پژوهش از چارچوب نظری لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و شیوه تحلیلی هسییه (۲۰۰۶) در بررسی و تحلیل استعاره‌های شناختی و مولکول‌های معنایی استفاده شد. بیش‌ترین تعداد ضرب‌المثل‌های فارسی دارای نام جانوران با نام «خر» و واژه‌های هم‌خانواده خر می‌باشند، که ۳۴۷ مورد را به خود اختصاص داده‌اند و برجسته‌ترین مولکول معنایی آن «بلاغت و نادانی» است. پس از آن نام «سگ» بیش‌ترین بسامد وقوع را در ساخت ضرب‌المثل‌ها دارد که در ۲۰۷ نمونه ظاهر شده و برجسته‌ترین مولکول معنایی آن «وحشی‌گری و درنده‌خویی» است.

هاشم‌زی (۱۳۹۳) نیز به بررسی کاربرد نام برخی از جانوران در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی با رویکرد معناشناسی شناختی پرداخته است. در این پژوهش از میان فرهنگ‌های لغات و اصطلاحات زبان‌های فارسی و انگلیسی، ضرب‌المثل‌های دارای نام شش حیوان اهلی شامل اسب، سگ، گربه، گوسفند، گاو و الاغ انتخاب شده و مولکول‌های معنایی ظاهر حیوان، ویژگی شخصیتی، عادات غذایی، عادات رفتاری، نحوه ارتباط انسان با حیوان و مفاهیم قراردادی

1. Jucker

آن‌ها بر اساس دیدگاه هسییه (۲۰۰۶) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش به بررسی بسامد، شباهت و تفاوت آن‌ها با توجه به نقش جانوران در زندگی و فرهنگ سخنگویان پرداخته است. زبان انگلیسی و فارسی از لحاظ برجسته‌بودن مولکول‌های معنایی که از معنای یک حیوان واحد در ذهن سخنگویان‌شان تداعی می‌شوند، باهم تفاوت دارند و در هر زبان با توجه به فرهنگ و سایر عوامل، مولکول‌های معنایی متفاوتی از نام یک حیوان برجسته می‌شود.

۴. تحلیل و بررسی داده‌های پژوهش

در پژوهش حاضر به بررسی مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران دو منطقه بوشهر و شهرکرد پرداخته می‌شود. این دو منطقه دارای تفاوت‌های اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی فراوانی هستند. به منظور تدوین پرسشنامه بررسی مولکول‌های معنایی در جانوران دو منطقه و مهم‌ترین و اولین مفهومی که درباره هر جانور به ذهن گویشوران متبادر می‌شود، ابتدا فهرستی از جانوران هر منطقه از منابع موثق، کتاب‌ها، مقالات و جزوه‌های سازمان‌های محیط زیست دو منطقه بوشهر و شهرکرد، تهیه شد. برای گزینش داده‌ها از ۲۰ گویشور اصیل و آشنا با گونه‌های جانوری منطقه خواسته شد که مشخص کنند کدام یک از جانوران در محیط پیرامون‌شان زندگی می‌کنند و از نظر مردم منطقه به خوبی شناخته شده هستند، زیرا ممکن است برخی از گونه‌های جانوری که در کتاب‌ها ذکر شده‌اند، اکنون در محیط گویشوران نباشند. پاسخ‌های گویشوران وارد نرم‌افزار اکسل شد و پس از بررسی و تحلیل، پرسامدترین گونه‌های جانوری، ۳۵ جانور در بوشهر و ۳۵ جانور در شهرکرد، برای ورود به پرسشنامه مرحله دوم به دست آمد. برای اطمینان از تلفظ درست واژه‌ها و راستی‌آزمایی معادل‌ها، واژه‌ها، تلفظ‌ها و معادل‌های‌شان از هر منطقه با کمک دو گویشور بومی بررسی شد. در مرحله بعد، صد گویشور اصیل و بومی بوشهری و صد گویشور اصیل و بومی شهرکردی، پرسشنامه مرحله دوم را تکمیل کردند. در این مرحله پرسش‌ها از گویشوران پرسیده شد: اولین مفهوم و ویژگی درباره نام جانور که به ذهن‌تان می‌رسد چیست؟ هر کدام از جانوران تداعی‌کننده چه ویژگی استعاری برای اشاره به انسان و ویژگی‌های انسان است؟ ضرب‌المثل، اصطلاح یا هر نوع عبارتی که درباره هر جانور می‌دانید، بنویسید.

از آن‌جا که برخی از گویشوران مسن، توانایی نوشتن پاسخ‌ها در پرسشنامه را نداشتند، پرسش‌ها یک به یک از آن‌ها پرسیده و در پرسشنامه درج شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های پژوهش بررسی و تحلیل شدند. در این مرحله، منابع کتابخانه‌ای مانند کتاب‌های

گویی، واژه‌نامه‌ها، قصه‌ها، ترانه‌های محلی، پایان‌نامه‌ها و منابعی مانند آن بررسی شد تا واژه‌ها و عبارات‌های مرتبط با نام جانوران هر منطقه نیز به دست آید. سپس مولکول‌های معنایی هر جانور در جدول‌هایی به تفکیک منطقه، بر طبق بسامد وقوع در پرسشنامه و منابع نوشتاری استخراج و طبقه‌بندی شدند. نکته قابل ذکر این است که در پژوهش‌های هسییه (۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۱۴) طبقه‌بندی مولکول‌های معنایی نام جانوران تنها به چند استعاره زیربنایی محدود می‌شود: ظاهر، رفتار و عادت، ارتباط با انسان، شخصیت و نوع غذا. استعاره‌های زیربنایی برای طبقه‌بندی مولکول‌های معنایی کاربرد دارد، برای مثال بدجنس‌بودن در طبقه استعاره زیربنایی مربوط به رفتار و عادت قرار می‌گیرد. از آن‌جا که برخی از مولکول‌های معنایی در این طبقه‌بندی نمی‌گنجند، نگارندگان چند استعاره زیربنایی برای طبقه‌بندی بهتر مولکول‌های معنایی جانوران ارائه کردند. بر این اساس، استعاره‌های زیربنایی برای طبقه‌بندی مولکول‌های معنایی مربوط به جانوران عبارت‌اند از: رفتار و عادت، ظاهر، هوش، غذا و عادت غذاخوردن، کاربرد، ویژگی‌های برجسته، معنای متداعی و معنای قراردادی. برای مثال در شهرکرد، یکی از مولکول‌های معنایی اصلی «پشه» بی‌ارزش‌بودن است. این مولکول معنایی در طبقه استعاره زیربنایی معنای قراردادی قرار می‌گیرد. منظور از ویژگی برجسته، ویژگی خاصی است که جانور به دلیل محل زندگی یا سبک زندگی دارد؛ برای مثال، لیز و لغزنده‌بودن برای ماهی یک ویژگی برجسته است. معنای متداعی معنایی است که با نام جانور و رفتار و عادت جانور در ذهن گویشوران تداعی می‌شود و در طبقه‌های دیگر استعاره‌های زیربنایی نگنجد. برای مثال برخی از گویشوران، برای اولین مفهومی که از نام عنکبوت به ذهن‌شان متبادر می‌شود، خانه سست یا خانه‌ای که سریع خراب می‌شود را نوشته‌اند، این نوع از پاسخ‌ها در استعاره زیربنایی معنای متداعی جای داده شد.

جدول (۲) مولکول‌های معنایی جانوران در بوشهر را نشان می‌دهد. این مولکول‌های معنایی بر مبنای پاسخ‌های گویشوران به پرسشنامه درباره مفهوم یا ویژگی‌ای که به ذهن گویشوران می‌رسد و همین‌طور از منابع نوشتاری به دست آمد. برخی از جانوران تنها یک مولکول معنایی دارند، به این معنا که بر مبنای پاسخ گویشوران و منابع نوشتاری، مولکول معنایی مورد نظر بیشترین کاربرد را در توصیف جانور دارد. برخی دیگر از جانوران دو یا چند مولکول معنایی دارند. برای مثال بز در بوشهر، دو مولکول معنایی «نادان» و «لجباز» دارد که ترتیب آن‌ها نشان می‌دهد اولین مولکول معنایی «نادان» کاربرد بیش‌تری در پاسخ‌های گویشوران و منابع مورد بررسی نسبت به «لجباز» دارد.

جدول (۲) مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران در بوشهر

جانوران در بوشهر	مولکول معنایی	استعاره زیربنایی
بادخورک	پرخور	عادت غذاخوردن
بز	نادان	رفتار و عادت
	لجباز	رفتار و عادت
بزلیسک	دزد	رفتار و عادت
	چاپلوس	رفتار و عادت
پرستو	کوچ کردن	معنای متداعی
پروانه	زیبا	ظاهر
پشه	سمج	رفتار و عادت
	کثیف	ظاهر
حلزون	کند	رفتار و عادت
خر	خنک	هوش
	پرکار	رفتار و عادت
خرچنگ	خوشمزه	کاربرد
خفاش	پرواز در شب	رفتار و عادت
	تنها	رفتار و عادت
موریانه	پرخور	عادت غذاخوردن
	خانه خراب کن	رفتار و عادت
سبز قبا	پرنده	معنای متداعی
	کثیف	ظاهر
سرگین غلطان	سیاه	ظاهر
	وحشی	رفتار و عادت
سگ	وفادار	رفتار و عادت
	بال هایش	ظاهر
سوسک	زشت	ظاهر
	چندش	رفتار و عادت
شتر	بزرگ	ظاهر
	کینه‌ای	رفتار و عادت
	نفهم	هوش
جوجه تیغی	پرتیغ	ظاهر
قورباغه	زشت	ظاهر

جانوران در بوشهر	مولکول معنایی	استعاره زیربنایی
	چشم‌درشت	ظاهر
کیوتر	زیبا	ظاهر
	پاک	رفتار و عادت
کوسه	خطرناک	رفتار و عادت
	بدون ریش و سبیل	ظاهر
گاو	احمق	هوش
	قوی	رفتار و عادت
گره	نمک‌شناس	رفتار و عادت
	لوس	رفتار و عادت
گنجشک	ضعیف	رفتار و عادت
	کوچک	ظاهر
مار	مودی	رفتار و عادت
	حیله‌گر	رفتار و عادت
مارماهی	دراز	ظاهر
ماهی	غذای خوشمزه	کاربرد
	لغزنده	ویژگی برجسته
ماهی مرکب	کسی که از خجالت رنگش عوض شود	ظاهر
	دورو	رفتار و عادت
مرغ	پرحرف	رفتار و عادت
	خسته	رفتار و عادت
مرغ دریایی	ماهی خوار	معنای متداعی
	سخت‌کوش	رفتار و عادت
موش	کشیف	ظاهر
	مودی	رفتار و عادت
میگو	کوچک	ظاهر
	پرخاصیت	کاربرد
هزارپا	پاهای زیاد	ظاهر
	در گوش می‌رود	رفتار و عادت

با توجه به داده‌های جدول (۲) از میان ۶۱ مولکول معنایی به‌دست‌آمده در بوشهر، پرکاربردترین استعاره زیربنایی با ۲۷ مورد (۴۴/۲٪) مربوط به رفتار و عادت است.

استعاره‌های زیربنایی ظاهر با ۱۷ مورد (۲۷/۸٪)، هوش، معنای متداعی و کاربرد هر کدام با سه مورد (۴/۹٪)، استعاره زیربنایی عادت غذاخوردن با دو مورد (۳/۲٪) و استعاره‌های زیربنایی ویژگی‌های برجسته با یک مورد (۱/۶٪). به ترتیب دارای کاربرد هستند. نکته قابل توجه این است که برای برخی از مولکول‌های معنایی می‌توان بیش از یک استعاره زیربنایی در نظر گرفت. برای مثال مولکول معنایی کشف برای موش را می‌توان هم زیرمجموعه استعاره زیربنایی ظاهر و هم زیرمجموعه استعاره زیربنایی رفتار و عادت (در معنای پست‌بودن) در نظر گرفت. البته، تعداد استعاره‌های زیربنایی به معنای بافتی که مولکول معنایی از آن استخراج می‌شود، بستگی دارد.

در جدول (۳)، مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران در شهرکرد بررسی می‌شود:

جدول (۳) مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران در شهرکرد

استعاره زیربنایی	مولکول معنایی	جانوران در شهرکرد
معنای متداعی	راه‌رفتن	اردک
رفتار و عادت	نجیب	اسب
رفتار و عادت	سریع	
رفتار و عادت	آرام	بره
ظاهر	کوچک	
رفتار و عادت	بازیکوش	بز / بزغاله
رفتار و عادت	شوم	جغد
ظاهر	کوچک	جوجه
رفتار و عادت	ضعیف	
رفتار و عادت	نادان	خر
رفتار و عادت	سریع	خرگوش
هوش	باهوش	
رفتار و عادت	متعصب	خروس
رفتار و عادت	جنگی	
رفتار و عادت	آواز قشنگ	سار

جانوران در شهرکرد	مولکول معنایی	استعارهٔ زیربنایی
سگ	باوفا	رفتار و عادت
	بداخلاق	رفتار و عادت
شغال	حیله‌گر	رفتار و عادت
	طمع‌کار	رفتار و عادت
قاطر	سخت‌کوش	رفتار و عادت
	نفهم	هوش
قورباغه	چشم‌درشت	ظاهر
	زشت	ظاهر
کبک	بی‌خبر	رفتار و عادت
	زیبا	ظاهر
کبوتر	زیبا	ظاهر
	معصوم	رفتار و عادت
کلاغ	خبرچین	رفتار و عادت
	شومی	معنای قراردادی
گاو	نفهم	هوش
	درشت	ظاهر
گراز	نفهم	هوش
	پرخور	عادت غذا خوردن
گربه	بی‌چشم و رو	رفتار و عادت
گرگ	وحشی	رفتار و عادت
	حریص	رفتار و عادت
گنجشک	بی‌آزار	رفتار و عادت
	کوچک	ظاهر
گوساله	نفهم	هوش
لاک‌پشت	کند	رفتار و عادت
مار	حیله‌گر	رفتار و عادت
	بدذات	رفتار و عادت
مرغ	تنبل	رفتار و عادت

جانوران در شهر کرد	مولکول معنایی	استعاره زیربنایی
	غرغرو	رفتار و عادت
موش	کثیف	ظاهر
	کوچک	ظاهر
پروانه	زیبا	ظاهر
	مزاحم	رفتار و عادت
پشه	بی‌ارزش	قراردادی
	پرحرف	رفتار و عادت
زنبور	کوشا	رفتار و عادت
شاپرک	زیبا	ظاهر
عنکبوت	ترسناک	رفتار و عادت
	پاهای دراز	ظاهر
کفش دوزک	زیبا	ظاهر
مگس	کثیف	ظاهر
	سمج	رفتار و عادت
مورچه	کوچک	ظاهر
	پرکار	رفتار و عادت

با توجه به جدول (۳) از میان ۵۹ مولکول معنایی جانوران در شهر کرد، استعاره زیربنایی رفتار و عادت با ۳۶ مورد (۶۱٪) پرکاربردترین مورد است. استعاره‌های زیربنایی ظاهر با ۱۴ مورد (۲۳/۷٪)، هوش با ۵ مورد (۸/۴٪)، معنای متداعی با ۲ مورد (۳/۳٪) و عادت غذا خوردن و معنای قراردادی هر کدام با یک مورد (۱/۶٪) به ترتیب دارای کاربرد می‌باشند.

به طور کلی، استعاره زیربنایی رفتار و عادت در دو منطقه، پرکاربردترین استعاره زیربنایی مولکول‌های معنایی جانوران بوشهر و شهر کرد است. نکته قابل توجه این است که ترتیب استعاره‌های زیربنایی جانوران بوشهر به این ترتیب است:

رفتار و عادت > ظاهر > هوش، معنای متداعی، کاربرد > غذا و عادت غذا خوردن > ویژگی برجسته.

ترتیب استعاره‌های زیربنایی جانوران شهر کرد نیز به ترتیب زیر است:

رفتار و عادت > ظاهر > هوش > معنای متداعی > غذا و عادت غذا خوردن > معنای قراردادی. در جدول (۴) نام جانوران دو منطقه به تفکیک استعاره‌های زیربنایی به کاررفته در توصیف مولکول‌های معنایی طبقه‌بندی شده‌اند. برای جانورانی که دارای دو یا چند مولکول معنایی هستند، در هر دو یا چند طبقه استعاره‌های زیربنایی قرار گرفته‌اند. جانورانی که مولکول‌های معنایی آن‌ها دارای استعاره زیربنایی یکسان است، تنها یک بار در طبقه استعاره زیربنایی مورد نظر نوشته شده‌اند. برای مثال، قورباغه در بوشهر دارای دو مولکول معنایی چشم‌درشت و زشت است که هر دو مولکول در طبقه استعاره زیربنایی ظاهر است، در این موارد نام جانور تنها یک بار در طبقه استعاره زیربنایی مورد نظر نوشته می‌شود.

جدول (۴) مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران مشترک در بوشهر و شهرکرد

استعاره زیربنایی	جانوران در بوشهر	جانوران در شهرکرد
رفتار و عادت	بادخورک، بز، بزلیسک (نوعی سوسمار)، پشه، حلزون، خر، خفاش، موربانه، سگ، سوسک، شتر، کبوتر، کوسه، گاو، گریه، گنجشک، مار، مارمولک، ماهی مرکب، ماهی گیر، مرغ، مرغ دریایی، موش، هزارپا	اسب، بره، بز، جغد، جوجه، خر، خروس، سار، سگ، شغال، قاطر، کبک، کبوتر، کلاغ، گریه، گرگ، گنجشک، لاک‌پشت، مار، مرغ، موش، پشه، زنبور، عنکبوت، مگس، مورچه
ظاهر	پروانه، سرگین‌غلتان، سنجاقک، سوسک، شتر، جوجه‌تیغی، قورباغه، کبوتر، کوسه، گنجشک، مارماهی، مارمولک، ماهی مرکب، موش، هزارپا	بره، قورباغه، کبوتر، گاو، گنجشک، موش، پروانه، شاپرک، عنکبوت، کفش‌دوزک، مورچه
غذا و عادت غذا خوردن	بادخورک، موربانه	گراز
کاربرد	خرچنگ، ماهی، میگو	-
معنای قراردادی	-	کلاغ، پشه
معنای متداعی	پرستو، سبز قبا، مرغ دریایی	اردک
هوش	خر، شتر، گاو	خرگوش، قاطر، گاو، گراز، گوساله
ویژگی برجسته	ماهی	-

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، استعاره زیربنایی «رفتار و عادت» بیش‌ترین کاربرد را در هر دو منطقه دارد. در بوشهر، مولکول‌های معنایی ۲۵ جانور و در شهرکرد، مولکول‌های

معنایی ۲۶ جانور دارای استعاره زیربنایی رفتار و عادت است. که به نظر می‌رسد گویشوران رفتار و عادت‌های جانوران را به دقت بررسی می‌کنند و از آن‌ها برای توصیف افراد جامعه زبانی استفاده می‌کنند. نکته قابل تأمل این است که بیش‌تر جانوران اهلی دارای استعاره زیربنایی رفتار و عادت هستند. دلیل این امر آن است که گویشوران از قدیم با این حیوانات ارتباط نزدیکی داشته‌اند و ارتباط زیاد باعث شده است که انسان به رفتار و خلق و خوی این جانوران دقت بیشتری کند (نخاوی، ۱۳۹۰). ظاهر نیز استعاره زیربنایی است که کاربرد بالایی در طبقه‌بندی مولکول‌های معنایی جانوران دو منطقه دارد، چنان‌چه در بوشهر ۱۵ جانور و در شهرکرد ۱۱ جانور دارای مولکول‌های معنایی مربوط به استعاره زیربنایی ظاهر هستند. بادخورک و موریانه در بوشهر و گراز در شهرکرد به پرخوری معروف هستند و در طبقه استعاره‌های زیربنایی مربوط به غذا و عادت غذاخوردن قرار گرفته‌اند.

استعاره زیربنایی کاربرد در شهرکرد مولکول معنایی نداشته است اما در بوشهر شامل سه جانوری است که کاربرد غذایی دارند. در طبقه استعاره زیربنایی معنای قراردادی در شهرکرد، کلاغ با مولکول معنایی شومی و پشه با مولکول معنایی بی‌ارزش بودن قرار دارند. در بسیاری از گویش‌ها از نام جانوران برای اشاره به نادانی افراد استفاده می‌شود. در گویش بوشهری خر، شتر و گاو و در شهرکردی قاطر، گاو، گراز و گوساله دارای مولکول‌های معنایی مربوط به کم‌هوشی هستند؛ خرگوش تنها جانوری است که در این دو گویش دارای مولکول معنایی باهوش بودن است. لغزندگی یکی از مولکول‌های معنایی ماهی در بوشهری است که در طبقه استعاره زیربنایی ویژگی برجسته قرار می‌گیرد.

بیشتر جانوران بومی دو منطقه متفاوت هستند. برای مقایسه بهتر مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران دو منطقه، ده جانور مشترک دو منطقه در جدول (۵) مقایسه می‌شوند.

جدول (۵) مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران مشترک در بوشهر و شهرکرد

نام جانوران مشترک		بوشهر		شهرکرد
مولکول معنایی	استعاره زیربنایی	مولکول معنایی	استعاره زیربنایی	استعاره زیربنایی

بز	نادان	رفتار و عادت	بازیگوش	رفتار و عادت
	لجباز	رفتار و عادت		
پشه	سمج	رفتار و عادت	مزاحم	رفتار و عادت
	کثیف	ظاهر	بی‌ارزش	قراردادی
خر	خنک	هوش	نادان	رفتار و عادت
	پرکار	رفتار و عادت		
سگ	وحشی	رفتار و عادت	باوفا	رفتار و عادت
	وفادار	رفتار و عادت	بداخلاق	رفتار و عادت
کیوتر	زیبا	ظاهر	زیبا	ظاهر
	پاک	رفتار و عادت	معصوم	رفتار و عادت
گاو	احمق	هوش	نقهم	هوش
	قوی	رفتار و عادت	درشت	ظاهر
گره	نمک‌نشناس	رفتار و عادت	نمک‌نشناس	رفتار و عادت
	لوس	رفتار و عادت		
گنجشک	ضعیف	رفتار و عادت	بی‌آزار	رفتار و عادت
	کوچک	ظاهر	کوچک	ظاهر
مار	مودی	رفتار و عادت	حیله‌گر	رفتار و عادت
	حیله‌گر	رفتار و عادت	بدذات	رفتار و عادت
مرغ	پرحرف	رفتار و عادت	تنبل	رفتار و عادت
	خسته	رفتار و عادت	پرحرف	رفتار و عادت

از بررسی جدول (۵) مشخص می‌شود که علی‌رغم شباهت‌های فراوان، تفاوت‌هایی در مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران مشترک در دو منطقه مورد نظر وجود

دارد. بز در بوشهر دو مولکول معنایی نادان و لجاز دارد اما در شهرکرد، تنها یک مولکول معنایی (بازیگوش) دارد که همه این مولکول‌های معنایی در طبقه استعاره‌های زیربنایی رفتار و عادت قرار گرفته‌اند. پشه در گویش بوشهری دارای دو مولکول معنایی سمج، در طبقه استعاره زیربنایی رفتار و عادت، و کثیف، در طبقه استعاره زیربنایی ظاهر، است. در شهرکردی نیز این جانور دارای مولکول معنایی مزاحم (رفتار و عادت) و بی‌ارزش در طبقه استعاره‌های زیربنایی معنای قراردادی است. برای خر در بوشهری دو مولکول معنایی خنگ (هوش) و پرکار (رفتار و عادت) وجود دارد و در شهرکردی یک مولکول معنایی، نادان دیده شد که در طبقه استعاره‌های زیربنایی رفتار و عادت قرار گرفته است. اگرچه بخشی از معنای نادان بودن مربوط به هوش است اما به نظر می‌رسد، استعاره زیربنایی رفتار و عادت طبقه مناسب‌تری برای این استعاره زیربنایی باشد. سگ در دو منطقه دارای مولکول‌های معنایی مربوط به خشن بودن (وحشی بودن) و وفاداری است که همه آن‌ها در طبقه استعاره‌های زیربنایی رفتار و عادت قرار می‌گیرند. البته این نکته را باید در نظر داشت که در بوشهری مولکول معنایی وحشی بودن و در شهرکردی مولکول معنایی باوفایی پاسخ بیش‌تری را از میان پاسخ گویشوران و بررسی منابع نوشتاری داشته‌اند.

مولکول‌های معنایی کبوتر (زیبایی و پاک و معصوم بودن) و گاو (احمق، قوی و درشت) نیز در دو گویش تقریباً مشابه هستند و مولکول‌های معنایی گربه در دو منطقه زیرمجموعه استعاره‌های زیربنایی رفتار و عادت می‌باشند. گنجشک در دو منطقه دارای یک استعاره زیربنایی ظاهر (کوچک) و یک استعاره زیربنایی رفتار و عادت (ضعیف در بوشهر ضعیف و بی‌آزار در شهرکرد) است. موزی، بدذات و حيله‌گر (رفتار و عادت) مولکول‌های معنایی مار در دو منطقه می‌باشند. مرغ در بوشهر دارای مولکول‌های معنایی پر حرف و خسته و در شهرکرد دارای مولکول‌های معنایی تنبل و پر حرف است که همه این مولکول‌های معنایی در طبقه استعاره‌های زیربنایی رفتار و عادت قرار می‌گیرند.

بررسی مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی جانوران مشترک میان دو منطقه متفاوت نشان می‌دهد که حتی جانوران مشترک نیز برای گویشوران هر منطقه مفاهیم متفاوتی را تداعی می‌کنند. در واقع، فرهنگ و محیط پیرامون گویشوران و نوع و میزان ارتباطی که با

جانوران دارند، در شکل‌گیری مفاهیم مؤثر هستند.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مولکول‌های معنایی و استعاره‌های زیربنایی نام ۳۵ جانور در بوشهر و ۳۵ جانور در شهرکرد بررسی شد. داده‌های پژوهش از پاسخ‌های ۱۰۰ گویشور بوشهری و ۱۰۰ گویشور شهرکردی که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، گردآوری شد. نتایج حاصل از بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخی از مولکول‌های معنایی جانوران در طبقه‌بندی استعاره‌های زیربنایی پیشنهادشده توسط هسیه (۲۰۰۶) نمی‌گنجد؛ از این رو، در پژوهش حاضر استعاره‌های زیربنایی جدیدی برای طبقه‌بندی بهتر مولکول‌های معنایی پیشنهاد شد که عبارتند از: رفتار و عادت، ظاهر، هوش، غذا و عادت غذاخوردن، کاربرد، ویژگی‌های برجسته، معنای متداعی و معنای قراردادی. یکی دیگر از نتایج پژوهش این است که استعاره‌های زیربنایی رفتار و عادت و ظاهر در دو منطقه بوشهر و شهرکرد بیش‌ترین کاربرد را در میان استعاره‌های زیربنایی دیگر دارند. این مسئله نشان می‌دهد که استفاده از نام جانوران توسط گویشوران کاربرد بالایی در توصیف رفتار و عادات یک‌دیگر دارد. به طور کلی، ترتیب استعاره‌های زیربنایی جانوران بوشهر عبارت است از: رفتار و عادت > ظاهر > هوش، معنای متداعی، کاربرد > غذا و عادت غذاخوردن، ویژگی برجسته. همچنین، ترتیب استعاره‌های زیربنایی جانوران شهرکرد به این ترتیب است: رفتار و عادت > ظاهر > هوش > معنای متداعی > غذا و عادت غذاخوردن > معنای قراردادی. نکته قابل‌تأمل در پژوهش حاضر این است که جانوران اهلی به طور میانگین دارای مولکول‌های معنایی بیشتری هستند و عمده‌ترین استعاره زیربنایی جانوران اهلی مربوط به رفتار و عادت است. از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به تفاوت مولکول‌های معنایی جانوران مشترک در دو منطقه اشاره کرد. محیط جغرافیایی پیرامون، میزان و نحوه ارتباط با جانوران و رسانه را می‌توان از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری مولکول‌های معنایی متفاوت در ذهن گویشوران هر منطقه دانست.

فهرست منابع

معظمی، محسن. (۲۰۱۰). بررسی تطبیقی کاربرد معانی مجازی نام سگ در اصطلاحات، تعبیرات و

ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی و روسی. همایش نقش زبان و فرهنگ در چشم‌انداز توسعه روابط ایران و روسیه. دانشگاه گیلان.

نخاولی، فاخته. (۱۳۹۰). بررسی کاربرد مجازی نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های فارسی و تحلیل برخی ویژگی‌های نحوی آنها با رویکرد شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

هاشم‌زی، میترا. (۱۳۹۳). بررسی شناختی ضرب‌المثل‌های مربوط به حیوانات در زبان‌های فارسی و انگلیسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Goddard, C. (2012). Semantic primes, semantic molecules, and semantic templates: key concepts in the NSM approach to lexical typology. *Linguistics*, 50 (3), pp. 711–743.

Goddard, C. and Wierzbicka, A. (2007). Semantic primes and cultural scripts in language learning and intercultural communication. In Palmer, G. and Sharifian, F. (eds.), *Applied Cultural Linguistics: Implications from second language learning and intercultural communication*. Amsterdam: John Benjamins, pp. 105-124

Hsieh, S. C. (2001). A Semantic and Sociolinguistic Study of Animal Metaphor in Mandarin Chinese and German. *Comparative Linguistics*, National Cheng Kung University, Taiwan .

Hsieh, S. C. (2005). Life form concepts: Animal expressions in Mandarin Chinese and German. *Journal of Southern Taiwan University of Technology*, 30, pp. 185-200 .

Hsieh, S. C. (2006). A corpus-based study on animal expressions in Mandarin Chinese and German. *Journal of pragmatics*, 38(12), pp. 2206-2222 .

Hsieh, S. C. (2009). Emotion and Rationality in Mandarin Chinese and German: Force schema and life-form metaphors. *Foreign Language Studies*, (10), pp. 87-103 .

Hsieh, S. C. (2014). A Lexicological Study on Animal Fixed Expressions. Paper

presented at the *From the ALWS archives: A selection of papers from the International Wittgenstein Symposia in Kirchberg am Wechsel: ALWS*.

Hsieh, S. C. and Jucker, J. (2003). The corpora of Mandarin Chinese and German animal expressions: An application of cognitive metaphors and language change. *Proceedings of the Corpus Linguistics Main Conference*. England: Lancaster University. pp. 332-341

Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago London: University of Chicago Press .

Riemer, N. (2010). *Introducing semantics*. Cambridge University Press.

Swan, K. E. (2013). *Borrowing the Essentials: A Diachronic Study of the Semantic Primes of Modern English*. MA thesis, Brigham Young University.

Wierzbicka, A. (1972). *Semantic Primitives*. translated by A. Wierzbicka & J. Besemeres. Frankfurt: Athenäum .

Wierzbicka, A. (1985). *Lexicography and Conceptual Analysis*. Karoma, Ann Arbor, Michigan.

Wierzbicka, A. (1996). *Semantics: Primes and universals*. Oxford University press .

Wierzbicka, A. (2004). Conceptual primes in human languages and their analogues in animal communication and cognition. *Lang. Sci.* 26 (5), pp. 413-441.

Exploring the Semantic Molecules of Animal Names from Bushehr and Shahrekord: A Cognitive-Semantic Approach

M. Talebi-Dastanaei and F. Ghatre

Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

The present paper examines the semantic molecules of 35 animal names in Bushehr and 35 animal names in Shahrekord based on Hsieh's semantic-cognitive approach (2006). The research data was obtained from the responses of 100 Bushehri speakers and 100 Shehrekordi speakers and the study of written sources such as proverb books, poetry, stories and the like. In this research, frequently used animal names in the everyday speech of the two areas were extracted, then questions were asked in the form of a questionnaire from the native speakers of each region about the animals. By analyzing the data of the questionnaire, one or more semantic molecules were obtained for each animal. Then, for each semantic molecule, the corresponding basic metaphors were identified. Behavior and habit, appearance, intelligence, food and eating habits, usage, outstanding features, connotative meaning and contractual meaning are among the metaphors for classification of the semantic molecules of the animals. The results of the research show that the metaphor of habit and behavioral metaphor in the two regions has the highest frequency for describing the semantic molecules of the animals.

Keywords: Animals, Basic Metaphors, Natural Semantic Metalanguage, Cognitive Semantics, Semantic Molecules
